

نقش خانواده و مدرسه در مهارت‌های اجتماعی کودکان پسر مراکز پیش دبستانی شهرستان میاندوآب

ملیحه خدابندلو^{۱*}، زهرا طارقی^۲، الهام بخشی^۳

^{۱*} کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دبیر مدارس شهرستان میاندوآب

Uasuasi9@gmail.com

09149825745

^۲ کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دبیر مدارس شهرستان میاندوآب

Uasuasi9@gmail.com

09149825745

^۳ کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، دبیر مدارس شهرستان میاندوآب

Uasuasi9@gmail.com

09149825745

چکیده

جریان اجتماعی شدن کودکان از همان لحظه ی اول تولد که لباس برتنشان می کنند و در گهواره قرار می دهند و یا در مقابل گریه ی او واکنش معینی نشان می دهند، آغاز می شود. در این فرایند برخی از افراد و گروهها نقش کلیدی دارند. پدر و مادر، برادر و خواهر، مربیان و معلمان که بخش زیادی از وقت خود را برای ارائه ی ارزش ها و جهت دادن به رفتار کودکان صرف می کنند، سازمان مدرسه، مسجد، نهادهای دولتی و غیر دولتی که وظیفه انتقال فرهنگ را بر عهده دارند، همچنین وسایل ارتباط جمعی به ویژه تلویزیون، نیروهای قدرتمندی در شکل دادن به نگرش ها و خواسته ها و رفتارهای کودکان هستند. از میان عوامل مذکور شاید بتوان مهمترین عوامل را فرهنگ، خانواده و نهادهای اجتماعی دانست (کارتلیج و میلبرن، ۱۳۷۲).

بنابراین آموزش مهارت های اجتماعی به دانش آموزان و این که چگونه و با چه کیفیتی در جمع حضور یابند و رفتارهای متناسب و مقبول از خود بروز دهند، ضرورت دارد. اکتساب مهارت های اجتماعی، محور اصلی رشد اجتماعی، شکل گیری روابط اجتماعی، کیفیت تعامل های اجتماعی، سازگاری اجتماعی و حتی سلامت روان فرد به شمار می آید. کسب مهارت های اجتماعی کودکان بخشی از اجتماعی شدن آنان است؛ در فرایند اجتماعی شدن، هنجارها، مهارت ها، ارزش ها، نگرش ها و رفتار فرد شکل می گیرد، تا به نحو مناسب و مطلوبی نقش کنونی یا آتی خود را در جامعه ایفا کند.

واژگان کلیدی:

مهارت‌های اجتماعی، خانواده، مدرسه، روش‌های تدریس مهارت‌های اجتماعی

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و به همین دلیل از لحظه تولد تا آخر عمر در اجتماع به سر می برد و دائماً در تعامل با انسان های دیگر می باشد. او دریافته است که در جمع بودن می تواند مشکلات او را مرتفع نماید و به همین منظور همواره یاد میگیرد که چگونه بایستی در جمع زندگی کند و نیازهای خود را ارضا نماید. بنابراین لزوم آموزش مهارت های اجتماعی در زندگی فرد مطرح می شود. این که چگونه و با چه کیفیتی در جمع حضور یابد و رفتارهای گروهی مناسب از خود نشان دهد. موضوع مهارت های اجتماعی کودکان بخشی از مسئله اجتماعی شدن آن هاست (سلیمانی و همکاران، ۱۳۸۸).

از بین تمامی سازمان هایی که نقش کلیدی در اجتماعی کردن افراد دارند، مدرسه اولین جایگاه رسمی تجربه اجتماعی کودکان است و در این زمینه نقش تعیین کننده دارد. اجتماعی شدن فرایندی است که در آن هنجارها، مهارت ها، انگیزه ها، نگرش ها و رفتارهای فرد شکل می گیرد تا ایفای نقش کنونی یا آتی او در جامعه مناسب و مطلوب شناخته شود. در این فرایند، اکتساب و به کارگیری مهارت های اجتماعی و چگونگی برقراری ارتباط و تعامل با دیگران، یکی از مؤلفه های اصلی رشد اجتماعی بخصوص در بین کودکان و نوجوانان محسوب می شود. بنا به تعریف، مهارت های اجتماعی به رفتارهای آموخته شده و مقبول جامعه اطلاق می شود، رفتارهایی که شخص می تواند با دیگران به نحوی ارتباط متقابل برقرار کند که به بروز پاسخ های مثبت و پرهیز از پاسخ های منفی بینجامد (ابطحی و ندری، ۱۳۹۰).

مهارت های اجتماعی، مجموعه توانمندی هایی است که موجب موفقیت در زندگی اجتماعی فرد می شود. هر فرد برای زندگی موفق در یک جامعه، علاوه بر مهارت های فردی به مهارت های دیگری نیاز دارد که از آن به نام مهارت های اجتماعی یاد می کنند. مهارت اجتماعی به مجموعه رفتارهای فراگرفته قابل قبولی گفته می شود که فرد را قادر می سازد با دیگران رابطه مؤثر داشته و از عکس العمل های نامعقول اجتماعی خودداری کند (ماتسون و بوئیسجولی، ۲۰۰۸؛ به نقل از پورمختار، ۱۳۹۲).

فقدان مهارت های اجتماعی موجب چالش های اخلاقی برای افراد می شود. رشد اخلاقی حاصل تعامل بین طبیعت و تربیت است. اخلاق در نتیجه تعامل عواملی مانند نظرات والدین، روش های انضباطی و همچنین انتخاب ها و اختیارات خود کودکان شکل می گیرد. کودک از تجارب اولیه خود برای تشخیص درست از غلط بهره می گیرد. در عین حال هنگامی که نیاز به تربیت و پرورش دارند، والدین به طور متعادل نیازهایشان را برآورده می سازند، بدین ترتیب یاد می گیرند در زندگی مقررات را بپذیرند و یاس ها را تحمل کنند. دوست داشتن افراطی و برآوردن نیازها صرف نظر از خواسته ها و نیازهای کودک، او را لوس می کند. این سبب می شود کودکان در اولین مراحل رشد اخلاقی بر اساس فردگرایی خودخواهانه مغرور شوند. این مساله برای کودکان دو ساله خوب است، برای شش ساله ها قابل تحمل و در ۱۲ ساله ها و یا سنین بالاتر مضر است (مختاری پور و سیادت، ۱۳۸۷).

از طرف دیگر، ناتوانی در مهارت های اجتماعی می تواند تقریباً تمام جنبه های زندگی یک دانش آموز را تحت تأثیر قرار دهد، زیرا موجب کاهش حساسیت وی نسبت به مردم و درک ضعیف او از موقعیت های اجتماعی می گردد. اختلال در مهارت های اجتماعی شاید فلج کننده ترین مشکلی باشد که می تواند یک دانش آموز به آن دچار شود. در ادبیات روان شناسی و تعلیم و تربیت، مشکل اجتماعی را به عنوان یک ناتوانی مجزا، اولیه و جدای از مشکلات آموزش مورد توجه قرار می دهند، ولی شکست در یادگیری و عملکرد تحصیلی، خود می تواند موجب بروز مشکلات اجتماعی و عاطفی ثانویه گردد. بطور کلی مشکل اجتماعی در ناکارآمدی تحصیلی می تواند بسیار مؤثر باشد (لرنر، ۲۰۰۷؛ به نقل از شفیق نادری، ۱۳۹۰).

¹-Matson & Boisjoli

²-Lerner

بیان مسئله

می دانیم که اصلی ترین محور تامین سلامت روح و جسم کودک، والدین و خانواده است. نقش خانواده در تربیت کودک بر هیچکس پوشیده نیست. خانواده ها امانتدار تمدن جامعه هستند و اساسی ترین پایه های یک کشور متمدن و با فرهنگ به حساب می آیند. از این رو وظیفه بسیار سنگینی بر دوش آن هاست.

مفهوم مهارت های اجتماعی

مهارت های اجتماعی (رفتارهایی هستند که به مردم برای کنش متقابل با دیگران کمک می کنند. در مدرسه، کنش متقابل ممکن است با هم کلاسی ها، معلمان و سایر کارکنان مدرسه باشد. در مراحل بعدی زندگی، این کنش متقابل با همکاران، سرپرستان، دوستان و افراد دیگری برقرار می شود که شخص ملاقات می کند. (رندی و میشل، ۲۰۰۸: ۲). اگرچه تعاریف زیادی برای مهارت های اجتماعی ارائه شده، اغلب صاحب نظران عقیده دارند که مهارت های اجتماعی هفت ویژگی دارند:

- ❖ ابتدا از طریق یادگیری (برای مثال، مشاهده، الگوسازی، تمرین و بازخورد) کسب می شوند.
- ❖ شامل رفتارهای غیرکلامی و کلامی مجزا و خاصی هستند.
- ❖ عاطفه و رفتار مناسب را نیز در بر می گیرند.
- ❖ از طریق تقویت اجتماعی ارتقا می یابند.
- ❖ شامل تعامل با محیط و همراه با واکنش های مناسب می شوند.
- ❖ انجام آن ها از ویژگی های محیطی تأثیر می پذیرد.

بنابراین، مهارت های اجتماعی رفتارهایی هستند که آموخته می شوند و بر روابط با همسالان و بزرگسالان تأثیر می گذارند. معمولاً مهارت های اجتماعی را به عنوان صفات شخصیتی عمومی در نظر نمی گیرند و آن ها را رفتارهای خاص موقعیتی و مجزایی می دانند که سن، جنس، وضعیت اجتماعی و تعامل با دیگران، بر آن ها تأثیر می گذارند. (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۳۵).

اجتماعی شدن یک سیستم دوجانبه ی ارتباطی میان فرد و جامعه است. به همین جهت هم تاثیرات فرهنگی و هم الگوهای رشد فرد باید به طور هم زمان مورد توجه قرار گیرد. به این ترتیب، متغیرهای اجتماعی شدن را در تفاوت های فردی، منابع و روش های انتقال، الگوها و ارزش هایی که بر فرایند اجتماعی شدن اثر می گذارند، می توان ملاحظه کرد. نکته دیگری که بسیار اهمیت دارد، هماهنگی میان عناصر و عوامل اجتماعی کننده است. چنانچه این هماهنگی در تقویت و تضعیف رفتارهای درست و نادرست به شیوه مناسب و در راستای اهداف وجود داشته باشد، تعارض و سردرگمی کودک را به دنبال نخواهد داشت. همچنین اتلاف انرژی و تلاش های بیهوده کودک را به حداقل رسانده، بسیاری از فشارهای روانی و جسمانی را از بین خواهد برد (کارتلیج و میلبرن، ۱۳۷۲).

¹ Social Skills

²-Randy & michelle

عوامل مؤثر در اجتماعی شدن

خانواده

خانواده بنیان زندگی اجتماعی شدن و اولین کانون تربیت فرزندان است. نهاد خانواده اساسی ترین و اولین محیط اجتماعی شدن است. کودک از بدو تولد در دامن خانواده نشو و نما می یابد و سپس در کنار دیگر نهادهای اجتماعی شدن ارتباط خویش را با آن حفظ می کند. گرچه تاثیر خانواده امروزه به سبب جابه جایی نقش ها کم شده است اما هیچگاه این تاثیر از بین نرفته است از دیدگاه آنتونی گیدنز^۱ در جامعه امروزی اجتماعی شدن پیش از همه در یک زمینه کوچک خانوادگی رخ می دهد بیشتر کودکان انگلیسی نخستین سال های زندگی خود را در درون یک واحد خانوادگی شامل مادر، پدر و شاید یک یا دو فرزند دیگر سپری می کنند برعکس در بسیاری از فرهنگ ها دیگر، عمه ها و خاله ها، عمو ها یا دایی ها و نوه ها غالباً جز یک خانواده واحد بوده و مراقب کودکان اطفال بسیار خردسال را به عهده دارند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۸۵).

از نظر ویل دورانت^۲، نخستین وحدت اجتماعی که این موجود بدان علاقه پیدا می کند خانواده است و رشد اخلاق او با محبت و وفاداری به وحدت بزرگترها توسعه می یابد تا آن که وطن پهناورش نیز در نظر او تنگ می نماید. خانواده هم محل کار و هم کانون عبادت، هم دیوان قضاوت و هم مرکز تعلیم و تربیت برای زندگی متعالی، هم نوعی و شیوه زندگی است. زندگی پر حلاوت و برخوردار از تفاهم و تعاون متعالی محض که تنها قانون حاکم بر آن قانون اخلاقی و روانی و محبت و فداکاری است (کی نیا، ۱۳۸۳: ۶۰۲). نوع ارتباط نوجوان با والدین در چگونگی شکل گیری هویت آنان مؤثر است. پژوهش های آدامز و کوپر^۳ مؤید این مطلب است که نوجوانانی که در حالت پراکندگی هویت هستند غالباً کسانی اند که از جانب والدین خود به فراموشی سپرده شده و یا طرد شده اند (بارتون و همکاران، ۲۰۰۵).

وابستگی شدید نوجوان به والدین و فرمانبری مداوم از آنان، تسلیم طلبی مقابل آن ها را به همراه خواهد آورد. از دیدگاه بعضی از جامعه شناسان از جمله کولی، آژانس های جامعه پذیری چون خانواده به عنوان منابع زندگی نه فقط برای افراد بلکه برای نهادهای اجتماعی به حساب می آید گرچه نخبه های نخستین از جمله خانواده گرده هبازی که روابط صمیمانه و احساس در آن ها جاری است منابع اصلی برای ایجاد نهادهای اجتماعی شدن شمرده می شوند (توسلی، ۱۳۸۵: ۲۹۸).

ویلیام جی گوڈ^۴ بر خانواده به عنوان عامل اساسی اجتماعی تاکید دارد به اعتقاد گوڈ اگر شخص بخواهد نهایتاً عضوی از جامعه بشود مسلماً باید مهارت های اجتماعی و آداب و رسوم ویژه جامعه را یاد بگیرد و خانواده وظیفه دارد آنچه را جامعه از نسل جوانتر تقاضا می کند به کودک یاد دهد البته والدین نیز وقت زیادی را صرف این امر می کنند (بارتون و همکاران، ۲۰۰۵).

گروه همسالان

¹-Anthony Giddens

²-Will Durant

³-Adams & Cooper

⁴-Barton Arwo & etal

⁵-William GoGood

همسالان از راه هایی منحصر به فرد و عمده در شکل گیری شخصیت، رفتار اجتماعی، ارزش های یکدیگر دخالت دارند. کودکان از طریق سر مشق دهی اعمالی که قابل تقلید است با تقویت یا تنبیه پاسخ های خاص و یا ارزشیابی فعالیت های یکدیگر و باز خودروی که به یکدیگر می دهند بر یکدیگر تاثیر می گذارند (اماندا و همکاران، ۲۰۰۸).

از دیدگاه ماوسن^۱ همسالان در مفهوم از خود یا خود انگاره آنان تاثیر می گذارند. آنچه در روابط بین همسالان اهمیت دارد وابستگی های خاصی است که بین آنان ایجاد می شود. دوستان برای کودک تکیه گاهی محسوب می شوند و به او احساس ایمنی می دهند. آنان حکم درمانگر قابل اعتماد و سرمشق رفتاری را برای کودک دارند و اعمال کودک را که معیارهای متفاوت از معیارهای بزرگ دارند، ارزیابی می کنند (ماوسن و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۰۲).

همسالان جهان دوم نوجوانان را تشکیل می دهند. جهان والدین و جهان همسالان. این دو جهان می توانند در کنار یکدیگر در حالی که بخش مشترک کوچکی نیز دارند، وجود داشته باشند. دنیای همسالان خرده فرهنگی است که از بسیاری جهات تحت تاثیر فرهنگ بزرگتری است که کودک در آن زندگی ولی در عین حال تاریخچه، سازمان جمعی و نیز ابزار انتقال آداب و رسوم فرد از نسلی به نسل دیگر دارد. گروه همسالان مهارت های اجتماعی مهمی را به فرد می آموزند که بزرگسالان به هیچ وجه نمی توانند آن ها را به وی بیاموزند. در میان گذاشتن مشکلات، تضادها و احساسات پیچیده اطمینان بخش است (ماوسن و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۰۶).

در دوره نوجوانی که دوره فاصله گرفتن از خانواده است، گروه دوستان اهمیت خاصی می یابد. در این دوره نوجوان از جهات مختلف از همسالان خود اثر می پذیرد. در این دوره روابط نوجوانان با دوستان خود گرمتر از روابط او با اعضای خانواده است و بسیاری از اطلاعات جنسی و غیر جنسی را بدست می آورد. نوجوان دوستانی را انتخاب می کند که از نظر علایق، ارزش ها و باورها و نگرش ها همانند او باشند. زیرا چنین فردی حمایت بیشتری از او خواهند کرد و از نظر رفتار و سرگرمی های اوقات فراغت و نگرش نسبت به مدرسه و پیشرفت تحصیلی با وی همانندی دارند (لطف آبادی، ۱۳۸۰: ۱۴۳).

نقش " خود " در اجتماعی شدن

خود آهسته اصلی نظریه شخصیت را تشکیل می دهد و انسان به وسیله گرایش به شکوفا شدن و بهبود بخشیدن خود برانگیخته می شود. خود عبارت از مجموعه ویژگی هایی فردی است که تفاوت فرد از دیگران و یا شباهت او به دیگران را بیان می کند (بدر و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۱).

خود به معنی جامعیت اندیشه ها و احساساتی است که فرد در ارجاع به خودش به عنوان یک شناخت عینی دارد. از دیدگاه بعضی از اندیشمندان، اجتماعی شدن فقط حاصل تاثیرات عوامل بیرونی نیست بلکه نیروهای خود ما نیز در شکل گیری منش و شخصیت ما نقش دارند. بنا به نظر اریک فروم^۲ روانکار اجتماعی، " ما بوسیله ویژگی های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه مان شکل می گیریم، با این حال، این نیروها به طور کامل منش ما را تعیین نمی کنند. ما عروسک های خیمه شب بازی نیستیم که به نخ هایی که جامعه آن ها را می کشد واکنش نشان دهیم. بلکه مجموعه ای از ویژگی ها یا مکانیسم های روان شناختی داریم که بوسیله آن ها ماهیت خود و جامعه ما را شکل می دهیم (شولتز، ۱۳۷۹: ۲۰۵).

نقش دیگران مهم و تعمیم یافته در اجتماعی شدن

¹-Amanda & etal

²-Mawson

Self ³-

⁴-Erich Fromm

دیگران مهم یا تاثیر گذار کسانی هستند که شخص به آنان توجهی خاص دارد ارزیابی آنان افعال امیال را پاداش می دهد. دیگری تعمیم یافته عبارت از ادغام ارزیابی ها و ارزش های دیگران مؤثر و به ویژه دیگرانی که در نزد شخص مرجع محسوب می شوند (گرت و میلز، ۱۳۸۶ : ۱۴۰).

از دیدگاه گرت و میلز، جامعه شناسان حوزه انتقادی، دیگران مهم نقش اساسی در اجتماعی شدن افراد دارند. این دو معتقدند برای درک و شناخت آدمی چهار مفهوم مفید است. این چهار مفهوم تاثیر بسزایی از دیدگاه ما در اجتماعی شدن دارند.

- ارگانسیم
- ساختار
- روانی
- شخص خود ساختار منش (گرت و میلز، ۱۳۸۶ : ۱۵۶).

مفهوم همانند سازی^۲ به نوعی به دیگران تعمیم یافته اشاره دارد. همانند سازی مفهومی است که از نظریه روانکاری فریود نشات گرفته و به فرایندی اطلاق می شود که به موجب آن کودک تلاش می کند خصوصیات مشخص دیگری را در وی کند. از طریق همانندسازی نگرش ها، علایق، رفتارها و لباس پوشیدن و الگوهای رفتار مادری خود را می گیرد. از دیدگاه ماوسن همانندسازی با تقلید صرفاً تکرار واکنش های مشخص و قابل مشاهده دیگران است حال آنکه همانند سازی ظریف است که به موجب آن کودک الگوهای کلی و گسترده تفکر را درونی می کند.

همانند سازی نشان دهنده پیوند عاطفی شدید کودک با شخص است که با او همانند سازی کرده حال آنکه تقلید چنین نیست از دیگر جوانب مهم همانند سازی ادراک کودک از شباهت بین خود و شخص دیگر است و وقتی کودک به این شباهت پی برد این اعتقاد در او ایجاد می شود که با آن الگو خصوصیات مشترک دارد (ماوسن و همکاران، ۱۳۸۶ : ۴۵۴).

نقش مدرسه در اجتماعی شدن

مدرسه نهادی اجتماعی و نمایانگر فرهنگی است که مدرسه جزئی از آن است و به کودک جهان بینی و عادات و رسوم و مهارت ها و دانش خاص را منتقل می کند. مدرسه نظام اجتماعی کوچکی است که کودک در آن قواعد اخلاقی، عرف اجتماعی، نگرش ها و شیوه های برقراری ارتباط با دیگران را می آموزد. مدرسه غالباً شبکه ای از گروه همسالان برای کودک و نوجوان مهیا می کند. نفوذی که مدرسه دارد همه به دلیل وجود شاگردان دیگر هم به دلیل وجود معلمان و برنامه ریزی در سی است (زند و همکاران، ۲۰۰۸).

پارسونز^۳ سه کارکرد مهم برای مدرسه قایل است: وظیفه اول مدرسه جامعه پذیر کردن نسل جدید با ارزش های مسلط جامعه، بویژه با ارزش های محیط خارج از خانواده، مخصوصاً با ارزش های دنیای کار است.

در مدرسه کودک ارزش های عام گرایی، عملکرد، ویژگی و بی طرفی عاطفی را درونی می کند این ارزش ها هستند که کودک با آن ها در محیط خانوادگی کمتر ارتباط پیدا می کند. از این دیدگاه مدرسه محیط جامعه پذیری اصلی برای انگیزه های اقتصادی، عقلانی است و ارزش های نوعی جامعه صنعتی می باشد.

کارکرد دوم مدرسه، تربیت و آماده سازی نیروی انسانی برای تصور مشاغل گوناگون در جامعه صنعتی است. کارکرد سوم مدرسه، در سطح آموزش عالی ارتباط تنگاتنگی با تحقیقات علمی دارد. از این دیدگاه، مدرسه محل خلاقیت، نوآوری و دگرگونی است دانشگاه نه

¹-Garrett & Mills

²-assimilation

³-Parsons

تنها انتقال دانش از نسلی به نسل دیگر است، بلکه محل تولید شناخت، نقد و بررسی شناخت های موجود و تفسیر مجدد آن هاست (روشه، ۱۳۸۶: ۶۹).

مراحل آماده سازی مهارت های اجتماعی

۱- تعریف: مهارتی را که می آموزید توصیف کنید. در این زمینه که چرا این مهارت ویژه مهم است و چگونه کاربرد آن به ایجاد رابطه کمک می کند بحث کنید. مهارت را می توان با استفاده از یک فیلم کوتاه، یک یا کارتون، یک نمایش عروسکی و یا تذکر دادن به کودک و راهنمایی او به فعالیت هایی که در گروه همسالان در جریان است، شرح داد. معلم می تواند بگوید: «نگاه کن چطور آن دو دختر در ساختن پازل به هم کمک می کنند. به من بگو آن ها به یکدیگر چه می گویند.

۲- مهارت را الگو کنید: مهارت را به چند جزء ساده تقسیم کنید و خودتان آن را به روشنی شرح دهید یا یک دانش آموز را انتخاب کنید تا این کار را انجام دهد.

۳- تقلید و تمرین: کودک یک مهارت را در محیطی که در آن جا آموزش دیده است امتحان می کند. برای این که این امر موفقیت آمیز باشد باید او را تحریک کرد تا آن مهارت را اجرا نماید و با دقت توجه کند و آن چه را که معلم شرح می دهد به خاطر بسپارد.

۴- بازخورد: این مرحله باید اطلاع دهنده باشد: «شما هنوز آن را کاملاً یاد نگرفته اید. باید هنگام صحبت به او نگاه کنید. دوباره سعی کن»، «این بهتر است. شما نگاه کردید و لبخند زدید. خوب است». باز خورد از راه یک ضبط ویدیویی می تواند در بعضی مواقع سودمند باشد.

۵- فرصتی فراهم کنید تا کودک مهارت به کار بندد: معلم می تواند با توجه به مهارتی که آموزش می دهد کارهای گروهی کوچک یا فعالیت های کاری دو به دو ترتیب دهد تا مهارت ها در کلاس و یا دیگر مکان های طبیعی اجازه کاربرد پیدا کنند و تعمیم یابند.

۶- تقویت متناوب: نمونه هایی را که در آن کودک مهارت ها را بدون اجبار، در مواقع دیگر روز یا در هفته های بعد به کار می گیرد زیر نظر بگیرید. به او پاداش و تقویتی توصیف کننده بدهید. به پایداری پس از اکتساب توجه کنید. احتمال زیادی وجود دارد که این رفتارها به محض تثبیت شدن، که به وسیله پیامدهایشان مثلاً یک تعامل رضایت بخش تر با همسالان پایدار شوند (وست وود، ۱۳۸۱).

اجزاء تشکیل دهنده مهارت های اجتماعی

❖ **مهارت های ارتباطی:** مهارت های کلامی، غیر کلامی، فرازبانی، مهارت های اولیه در برقراری ارتباط، ارتباط با غریبه ها، برقراری دوستی، ارتباط با جنس مخالف و مهارت های گسترش تعاملات اجتماعی.

❖ **مهارت های جرئت ورزی:** مهارت های مربوط به توانایی "نه" گفتن، بیان نیازهای خود، شناسایی حقوق خود و دیگران، بیان خشم، انتقاد کردن، انتقاد پذیری، پذیرش محاسن خود، بیان احساسات و عقاید خود، تعریف و قدردانی از دیگران و مهارت های مربوط به خود گویی مثبت.

❖ **مهارت های مربوط به پرورش حس همکاری، مسئولیت پذیری و نودوستی:** مهارت های مربوط به همکاری در مدرسه، همکاری در منزل و همکاری در اجتماع.

❖ **مهارت های خود گردانی:** مهارت های مراقبت از خود، خود گردانی، هویت یابی، مطالعه و اداره امور مالی خویش.

- ❖ مهارت های درک اجتماعی و شناسایی ارزش های جامعه: مهارت های مربوط به درک اجتماعی و مهارت های مربوط به شناسایی ارزش های جامعه.
- ❖ مهارت های مربوط به آشنایی با قوانین و استفاده از سرویس های اجتماعی.
- ❖ مهارت های شغل یابی و حفظ شغل.
- ❖ مهارت های پرکردن اوقات فراغت.
- ❖ مهارت های مقابله ای: مهارت های مربوط به جلب حمایت دیگران، ورزش و تمرین آرمیدگی، تلاش در جهت استقلال مادی و معنوی، تعدیل احساسات، آشنایی با روش حل مسئله، اصلاح باورها و شناخت های غلط، مواجهه با تنیدگی و برنامه ریزی (رندی و میشل، ۲۰۰۸؛ به نقل از پورمختار، ۱۳۹۲).

خصوصیات افراد دارای مهارت های اجتماعی

- افراد توانا به لحاظ اجتماعی می توانند با درک و پاسخ دهی به موقعیت های اجتماعی، به صورت موثر بر محیط اجتماعی خود مدیریت کنند. این افراد دارای خصوصیات زیر هستند:
- ❖ **حساسیت اجتماعی:** به درستی مفهوم هر رخداد اجتماعی را می فهمند، یعنی رمزگشایی کردن از نشانه ها (سرنخ های اجتماعی).
 - ❖ **ایفای نقش:** افراد و نحوه ی تجربه کردن آنها را درک می کنند.
 - ❖ **بینش اجتماعی:** موقعیت های اجتماعی و آنچه را که در اجتماع رخ می دهد، درک می کنند.
 - ❖ **فهم اجتماعی:** جریان ها و عرف اجتماعی نظیر دوستی ها و روابط متقابل اجتماعی را درک می کنند.
 - ❖ **بینش روان شناختی:** خصوصیات فردی و انگیزش دیگران را درک می کنند.
 - ❖ **قضاوت اخلاقی:** موقعیت های اجتماع مربوط به آداب و اصول اخلاقی را ارزیابی می کنند.
 - ❖ **ارتباط اجتماعی:** نحوه ی مداخله ی موثر و چگونگی تاثیرگذاری بر رفتار دیگران را درک می کنند؛ مهارتی که مستلزم مهارت یا کنترل خود می شود.
 - ❖ **ارتباط:** به درستی، آنچه را که فکر می کنند و حسی را که دارند، به دیگران ابراز می کنند.
 - ❖ **حل مسئله ی اجتماعی:** مشاجره ها را حل می کنند و نحوه ی تاثیرگذاری بر رفتار دیگران برای دست یابی به اهداف مورد نظر را درک می کنند (اماندا وهمکاران، ۲۰۰۸).

رویکرد جدید در تدریس مهارت های اجتماعی

روش های تدریس مهارت های اجتماعی زیر عنوان سه رویکرد نظری دسته بندی می شوند (شرطی سازی عامل، یادگیری اجتماعی، و شناختی - رفتاری) که از لحاظ تمرکز درمانی (برای مثال، تفکر کودکان، مهارت های حل مسئله و رفتار کودکان) و فعالیت های مربوط به شیوه های درمان (برای مثال، الگودهی و تقویت رفتارهای مناسب) متفاوت هستند چهار فرایند اساسی زیربنای روش های مداخله در

مهارت اجتماعی را تشکیل می دهند. این فرایندها «متغیرهای آموزشی» نام گذاری شده اند که شامل آموزش، تمرین، تقویت، بازخورد و فرایندهای کاهشی هستند.

رویکرد جدید یا رویکرد «کلاس پذیرا» برنامه مهارتی مجزایی نیست، بلکه در آن تلاش بر این است که مهارت های اجتماعی در کارکردهای روزانه مدرسه گنجانده شود. این مهارت های ضمنی همه سطوح پیش گیری (اولیه، ثانویه و ثالث) را شامل می شوند و می توان آن ها را در مدرسه (راهروها و غذاخوری)، اتوبوس و زمین بازی تمرین کرد (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۳۶).

هفت اصل راهنمای این رویکرد عبارت اند از:

۱. برنامه اجتماعی به اندازه برنامه تحصیلی اهمیت دارد.
۲. این که کودکان چگونه یاد می گیرند، به اندازه چرایی یادگیری مهم است.
۳. بیشترین رشد شناختی از طریق تعامل اجتماعی اتفاق می افتد.
۴. برای موفقیت تحصیلی و اجتماعی به یک مجموعه از مهارت ها (همکاری، جرئت ورزی، مسئولیت پذیری، همدردی و خود کنترلی) نیاز است.
۵. توجه به ابعاد فردی، فرهنگی و رشدی به اندازه محتوای تدریس اهمیت دارد.
۶. آگاهی از شرایط خانواده دانش آموز و شریک کردن آن ها در کار آموزش دارای اثرات مثبتی است.
۷. چگونگی همکاری بزرگسالان در مدرسه، به اندازه توانمندی های فردی آن ها مهم است (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۳۶).

چرنی (۱۹۹۲) می گوید: بسیاری از کودکان در ابتدای ورود به مدرسه نمی دانند که چگونه به طور اجتماعی رفتار کنند. آنها غالباً برای آن که بتوانند انتظارات رفتاری را در کلاس درس برآورده کنند، به آموزش نیاز دارند. در نتیجه این آموزش محیط یادگیری راحتی برای دانش آموزان و معلم ایجاد می شود. او اعتقاد دارد که معلم نیاز دارد که شش هفته اول مدرسه، نه تنها بر مرور مواد درسی سال های گذشته، بلکه بر تدریس به کودکان درباره انتظارات کلاس درس بدون نگرانی، و درباره مقدار برنامه تحصیلی در حال اجرا، تمرکز داشته باشد.

رویکرد کلاس پذیر (پاسخ ده)، نمونه ای از رویکرد کلی پیش گیری جامع مدرسه و مداخله ای است که ساختار مهارت های اجتماعی، توانمندسازی تحصیلی و حمایت اجتماعی را یکپارچه می کند. این رویکرد آموزشی، تدریس مهارت های تحصیلی و اجتماعی را به عنوان قسمتی از زندگی روزانه در مدرسه و به صورت منسجم در نظر می گیرد و شامل شش بخش به این شرح است: ملاقات صبحگاهی؛ سازمان کلاس؛ قوانین و نتایج منطقی؛ اکتشاف هدایت شده؛ فرصت انتخاب تحصیلی؛ ارزیابی؛ گزارش دهی. مؤلفه های رویکرد کلاس پذیرا، از طریق تمرین های معلمان و محققان آموزشی - رشدی تکامل یافته و اصلاح گردیده اند (الیوت و همکاران، ۲۰۰۱؛ به نقل از حامدی فرد، ۱۳۹۲).

ملاقات روزانه: با تمرین احوال پرسی شروع می شود دانش آموزان، پس از آن که اخبار و اطلاعات تحصیلی و اجتماعی را تبادل کردند، در فعالیت های انگیزشی شرکت می کنند و بر قسمت های شناختی روزی که پیش رو دارند، متمرکز می شوند. آن ها با معلمشان دایره وار می نشینند و حس تعلق، اهمیت و شادی را تجربه می کنند. ملاقات روزانه آهنگ خود را در کل روزهای مدرسه حفظ می کند. این آداب روزانه، حس اجتماعی و جو حمایتی پدید می آورد که موجب ورزیدگی در مهارت می شود. ملاقات روزانه، به عنوان تمرینی آشنا در ساختار منطقی کودک، موجب افزایش مهارت های ارتباطی او می شود.

سازمان کلاس: در این شیوه آموزشی، معلمان به سطوح رشدی دانش آموزان، تناسب مبلمان کلاس، امور روزمره کلاس، موقعیت

¹-Responsive classroom

²-Cherny

³- Elliot &etal

قرارگیری دانش آموزان و عامل های زمانی متناسب با آن، توجه ویژه ای دارند. به علاوه، تمرین ها نکته اصلی در کلاس های مقدماتی و ابتدایی هستند و به دوره های بعدی گسترش پیدا می کنند (الیوت و همکاران، ۲۰۰۱؛ به نقل از حامدی فرد، ۱۳۹۲).

مؤلفه قوانین و نتایج منطقی: رویکردی انضباطی است که هدف آن ایجاد خودکنترلی در دانش آموزان است تا توانایی های آنها تقویت شود. در امور تحصیلی و انسانی استقامت پیدا کنند و راه های مراقبت از همسالان و بزرگسالان را یاد بگیرند در این شیوه، به دانش آموزان توصیه می شود قوانینی وضع کنند که برای همه اعضای کلاس، امکان برآوردن اهداف کلاس را فراهم کنند. در پیامدهای منطقی تاکید می شود، مسئولیت رفتار نادرست با دانش آموز است، ولی به دانش آموز، اجازه یافتن رفتار درست و یادگیری از اشتباهات داده می شود (ضمن حفظ شأن دانش آموز) (الیوت و همکاران، ۲۰۰۱؛ به نقل از حامدی فرد، ۱۳۹۲).

فرصت انتخاب تحصیلی: دادن حق انتخاب به دانش آموز، به رشد حس مالکیت او کمک می کند. به دانش آموزان به طور منظم در مورد یادگیری شان فرصت انتخاب داده می شود (افزایش انگیزش دانش آموزان). در چنین کلاس درسی، تاکید بر الگودهی، تمرین و بازی نقش انتظارات رفتاری است (الیوت و همکاران، ۲۰۰۱؛ به نقل از حامدی فرد، ۱۳۹۲). (۲۳: ۲۰۰۱).

روش اکتشافی هدایت شده: معرفی اطلاعات به شیوه ای که خلاقیت و مسئولیت پذیری را تشویق کند و مراحل برای دامنه وسیعی از فعالیت های تحصیلی به وجود آورد. در این روش، برنامه ریزی دقیقی برای استفاده از توانمندی های بالقوه دانش آموزان انجام می گیرد. معلمان اجازه دارند، کلاس هایی ایجاد کنند که دانش آموزان بتوانند تعادلی در کارهای محول شده از جانب معلم و کارهایی که از طریق مجموعه توانمندی های خود انتخاب می کنند، پدید آورند. این انتخاب به دانش آموزان فرصت می دهد، استقلال و همکاری، تحقیق و مطالعه مهارت ها، تولید کار مداوم و ارائه کارها به همسالانشان را تمرین کنند. و سرانجام، کلاس پذیرا معلمان را تشویق می کند، در مورد مجموعه روش های جایگزین ارزیابی کارهای دانش آموزان به کاوش بپردازد و این ارزیابی ها را با اندازه گیری های استاندارد ترکیب کند. همچنین، این رویکرد از گزارش پیشرفت دانش آموز به والدین (در یک پیوستار در مقایسه با نمره های مجزا) حمایت می کند. در این رویکرد، معلمان انتظار دارند که والدین و دانش آموزان در اهدافی که در ابتدای هر سال معین می کنند، درگیر شوند. بنابراین، رابطه ای معنی دار با تمرکز بر آموزش و پرورش به وجود می آید. ویژگی های ساختاری کلاس پاسخ ده عبارتند از: ساختمان مدرسه، موقعیت و شرایط طبیعی که در حفظ مهارت های اجتماعی معرفی شده نقش ایفا می کنند، و الگوها و روش های تدریس. به خاطر ماهیت فراگیر این برنامه، تعمیم دهی مهارت ها به محیط خارج از مدرسه نیز میسر است (الیوت و همکاران، ۲۰۰۱؛ به نقل از حامدی فرد، ۱۳۹۲).

نظر قرآن در مورد اجتماعی بودن انسان

انسان موجودی است که نیازمند روابط اجتماعی است و بدون حضور در اجتماع هیچ گاه از عهده پاسخگویی به نیازهای متنوع زندگی خویش بر نمی آید. طبیعی است که پذیرفتن هر محیط و اجتماعی به معنای متعهد شدن نسبت به شرایط و مقررات ویژه آن محیط است. زندگی اجتماعی نیز بر محور اصول و آداب و قوانین و روابطی تنظیم شده است، اسلام نیز به عنوان دینی که پاسخگوی نیازهای ضروری روحی و جسمی انسان ها در تمام عصرها و مکان هاست نه تنها روابط سازنده اجتماعی را مورد تأیید قرار داده و امضاء کرده است بلکه با پایه گذاری برخی از اصول در روابط اجتماعی اهمیت آنها را به جامعه ایمانی گوشزد کرده است. از آیات کریمه قرآن استفاده می شود که اجتماعی بودن انسان در متن خلقت و آفرینش او پی ریزی شده است. در سوره مبارکه حجرات آیه ۱۳ می فرماید: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم» ای مردم! شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را ملت ها و قبیله ها قرار دادیم تا به این وسیله یکدیگر را بازشناسید (نه اینکه به این وسیله بر یکدیگر تفاخر کنید).

در سوره فرقان آیه ۵۴ می فرماید: «و هو الذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا و صهرا». اوست که از آب، بشری آفرید و آن بشر را به صورت نسب ها (رابطه های نسبی) و خویشاوندی دامادی (رابطه های سببی) قرارداد. این آیه کریمه نیز روابط نسبی و سببی را که مایه پیوند افراد با یکدیگر و پایه بازشناسی آن ها از یکدیگر است، به عنوان طرحی که در متن خلقت برای حکمت و غایتی کلی قرار داده شده عنوان نموده است. در سوره مبارکه زخرف آیه ۳۲ می فرماید: «أهم یقسمون رحمۃ ربک؟ نحن قسمنا بینهم معیشتهم فی

الحيوه الدنيا و رفعنا بعضهم فوق بعض درجات ليتخذ بعضهم بعضا سخريا و رحمۃ ربك خير مما يجمعون». آیا آنها رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟ (آیا کار خلقت به آن‌ها واگذار شده که هرچه را به هر که بخواهند بدهند و از هر که نخواهند باز گیرند؟) ما مایه‌های معیشت و وسایل زندگی (امکانات و استعدادها) را میان آنها در زندگی دنیا تقسیم کردیم و برخی را بر برخی دیگر از نظر امکانات و استعدادها به درجاتی برتری دادیم تا به این وسیله، و به صورت متقابل، برخی برخی دیگر را مسخر خود قرار دهند (و در نتیجه همه به طور طبیعی مسخر همه واقع شوند)، و همانا رحمت پروردگارت (موهبت نبوت) از آنچه اینها گرد می‌آورند بهتر است.

به طور خلاصه می‌گوییم مفاد آیه کریمه این است که انسان‌ها از نظر امکانات و استعدادها، یکسان و همانند آفریده نشده‌اند، که اگر چنین آفریده شده بودند، هر کس همان را داشت که دیگری دارد و همان را فاقد بود که دیگری فاقد است و طبعا نیاز متقابلی و پیوندی و خدمت متبادلی در کار نبود. خداوند انسان‌ها را از نظر استعدادها و امکانات جسمی و روحی و عقلی و عاطفی، مختلف و متفاوت آفریده است، بعضی را در بعضی از مواهب بر بعضی دیگر به درجاتی برتری داده است و احيانا آن بعض دیگر را بر این بعض، در بعضی دیگر از مواهب برتری داده است و به این وسیله همه را بالطبع نیازمند به هم و مایل به پیوستن به هم قرار داده و به این وسیله زمینه زندگی به هم پیوسته اجتماعی را فراهم نموده است. این آیه کریمه نیز دلالت دارد بر اینکه زندگی اجتماعی انسان امری طبیعی است نه صرفا قراردادی و انتخابی و نه اضطراری و تحمیلی.

محورهایی که در موضوع مؤمن و روابط اجتماعی از دیدگاه قرآن مطرح است عبارتند از:

- مؤمن و التزام به آداب در مجالس عمومی
- مؤمن، تعاون و همکاری بر نیکی و تقوا
- مؤمن و کنترل چشم‌ها در روابط اجتماعی و پرهیز از زمینه سازی برای گناه
- مؤمن و تلاش برای وحدت، پرهیز از تفرقه، امر به معروف و نهی از منکر
- مؤمن و پرهیز از ناهماهنگی گفتار و رفتار
- مؤمن و پرهیز از آسیب پذیر کردن روابط سالم اجتماعی
- مؤمن و پرهیز از دوستی‌ها و روابط ایمان سوز
- مؤمن، مسئولیت در برابر خود و خانواده
- مؤمن و پای بندی به آداب در روابط اجتماعی (صغری، ۱۳۷۰).

خداوند در مورد کنترل چشم‌ها در روابط اجتماعی و پرهیز از زمینه سازی برای گناه در سوره نور آیات ۳۰ و ۳۱ می‌فرماید: « به مؤمنان بگو چشم‌های خود را از نگاه هوس آلود فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است آشکار نمایند و اطرافرو سوری‌های خود را بر سینه خود افکنند تا گردن و سینه با آن پوشانده شود و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدر شوهرانشان یا پسران همسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان هم کیششان یا بردگانشان (خدمتکاران زن) یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد و همگی به سوی خدا بازگردید و توبه کنید ای مؤمنان تا رستگار شوید». جامعه ایمانی آنگاه حرکتی رو به کمال و رستگاری دارد و آنگاه می‌تواند از لذات و رهاوردهای باشکوه ایمان بهره مند شود که در حرکتی همگانی زمینه‌های پیدایش رشد فضائل اخلاقی، و شکوفه‌های ایمانی را ایجاد کند و با تمام جدیت و توان با آفات و موانع به مقابله برخیزد.

و راجع به پرهیز از آسیب پذیر کردن روابط سالم اجتماعی در سوره حجرات آیه ۱۱ می‌فرماید: « ای کسانی که ایمان آورده اید نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند و نه زنانی دیگر را شاید آنان بهتر از اینان باشند و یکدیگر را مورد طعن و عیب جویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید و آنها که توبه کنند ظالم و ستمگرند، یعنی انسان باایمان و جامعه ایمانی باید از هر کاری که حاکمیت دوستی و

صمیمیت و اعتماد متقابل را از بین می برد یا آسیب پذیر می کند با جدیت پرهیز کند و در صورت گرفتاری به این ناپاکی روحی از آن توبه کند تا عنایات الهی و رحمت بی کران حق مجدداً شامل آن ها شود.

نتیجه گیری

ما در دنیای پیچیده و دشواری زندگی می کنیم، برای موفقیت و پیشرفت در این دنیا و مقابله مؤثر با بسیاری از مشکلاتی که رودرروی ما قرار می گیرند، مجموعه ویژه از مهارت ها مورد نیاز است. مهارت های اجتماعی می تواند به عنوان مهارت های لازم برای تطبیق با نیازهای اجتماعی و نیز حفظ روابط بین فردی رضایت بخش تعریف شود. از آنجایی که نیازهای اجتماعی متغیرند و وابسته به زمینه اجتماعی خاص خود می باشند، بنابراین ضروری است افراد ساز و کار پاسخ اجتماعی منعطفی در خود ایجاد کنند، تا بتوانند خود را متناسب با نیازهای موقعیتی و وضعیتی تغییر دهند (رشیدزاده و همکاران، ۱۳۹۰).

در سال های اخیر توجه زیادی به مبحث تعامل اجتماعی شده است. چرا که بررسی های متعدد نشان می دهند، کمبود مهارت های اجتماعی:

تأثیر منفی بر کارکرد تحصیلی دانش آموزان دارد.

در روابط بین فردی و حوزه های رفتاری - عاطفی مشکل ایجاد می کند.

مشکلات یادگیری کودک را تشدید می کند، مانع پیشرفت او می شود و سرانجام به عواقب نامطلوب در دوران تحصیل او می انجامد.

سازگاری دانش آموزان را کاهش می دهد و آن ها را با ناتوانی در تمامی امور مواجه می سازد.

در دانش آموزانی که قادر به انجام خواسته های کلاسی نیستند، احساس دردناکی از بی کفایتی، اضطراب، کاهش انگیزش و

ناسازگاری های رفتاری به وجود می آورد (سلیمانی، ۱۳۹۰).

یکی از اهداف عالی نظام رسمی آموزش و پرورش کشور، اجتماعی کردن صحیح کودکان و نوجوانان است، زیرا رشد و تحول اجتماعی در سایه اجتماعی شدن، سازگاری و برقراری ارتباط مطلوب با دیگران میسر است. از بین تمامی سازمانهایی که نقش کلیدی در اجتماعی کردن افراد دارند، «مدرسه» اولین جایگاه رسمی تجربه اجتماعی است و در این زمینه نقش تعیین کننده ای دارد. بر این اساس، هر گونه تلاش در خصوص ایجاد و پرورش «مهارت های اجتماعی» چه در برنامه رسمی و یا در فعالیتهای فوق برنامه نمی تواند بدون ملاحظه روند رشد دانش آموزان باشد، به ویژه آن که سالهای حساس رشد اجتماعی مقارن با سنین مدرسه، اعم از دوره ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان است. بنابراین مدرسه موظف است فرصتهای مناسب برای «رشد اجتماعی» و افزایش مهارت های اجتماعی دانش آموزان فراهم کند در غیر این صورت، عدم کسب مهارت های اجتماعی لازم منجر به بروز مشکلات متنوع رفتاری، خواهد شد (کارتلج و میلیون، ۱۳۷۲). امروزه داشتن مهارت های اجتماعی رکن لازم و اساسی زندگی اجتماعی بوده و فقدان آن می تواند باعث آسیب های فردی و اجتماعی فراوانی گردد.

مهارت های اجتماعی را توانایی ایجاد ارتباط متقابل با دیگران می دانند به طوری که در عرف جامعه قابل قبول یا ارزشمند بوده و در عین سودمندی برای شخص، بهره ای دوجانبه داشته باشد یا در درجه اول برای دیگران سودمند باشد بنابراین از آنجا که خانواده و مدرسه بیشترین نقش را در انتقال نگرش و مهارت های اجتماعی بر عهده دارند یکی از کارکردها و از اهداف صریح آموزش پرورش، تحقق اهداف اجتماعی در دانش آموزان است بقا و دوام تمدن ها و جوامع، به انتقال مجموعه ارزش ها، رفتارها و مهارت های هر نسل به نسل بعدی بستگی دارد.

مدرسه عامل اجتماعی کردن فرد و آموختن محبت، همدلی، وفاداری و همکاری با دیگران است. مهارت های اجتماعی که در خانواده به طور طبیعی آموخته می شود، در محیط های رسمی آموزشی با تکیه بر اصول اجتماعی شدن و با به کارگیری دانش

¹ Social development

² Social skills

روان شناسی و علوم تربیتی به کودکان و نوجوانان آموخته می شود. مطالعه مهارت های اجتماعی دانش آموزان یکی از اساسی ترین ضروریات برنامه ریزی آموزشی است آموزش مهارت های اجتماعی می تواند به عنوان عوامل حمایت کننده آموزشی و فردی مانند پیشرفت در مدرسه و مسئولیت پذیری تعامل مناسب با همسالان و بهبود عزت نفس و نهایتاً عملکرد تحصیلی مطرح گردد. بنابراین دانش آموزانی که مهارت های اجتماعی را به طور واقعی یاد می گیرند، تمرین می کنند و شایستگی خود را به کار می گیرند، قطعاً می توانند در ورود به گروه همسالان و دوستیابی موفق باشند، تعاملی مثبت در روابط خود با همسالان داشته باشند و دامنه ای از رفتارهای مقبول را از خود نشان دهند.

منابع

- قلی زاده، آذر وامینی، اعظم، (۱۳۸۱)، بررسی رابطه مشارکت دانش آموزان دختر دبیرستان های خمینی شهر در فعالیت های اجتماعی با پیشرفت تحصیلی، ویژگی های جمعیت شناختی و رشد اجتماعی آن ها در سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹، نشریه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، شماره ۱۳ و ۱۴، ۱۰۳-۱۲۰.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۷)، جامعه شناسی، (ترجمه، منوچهر صبوری)، تهران: نشر نی .
- گرث، هانس وسی رایت، میلز، (۱۳۸۶)، منش فرد و ساختار اجتماعی، (ترجمه، اکبر افسری)، تهران: نشر آگه.
- گلابزاده، سیدمحمدعلی، (۱۳۸۵)، پژوهش تحلیلی در زمینه ی آفت تحصیلی، چهارمین دوره ی مقاله نویسی علمی، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- لیوارجانی، شعله وغفاری، سارا، (۱۳۹۰)، بررسی رابطه هوش هیجانی و مهارت های اجتماعی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع دوم متوسطه شهر تبریز در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸، نشریه علوم تربیتی، شماره ۹، ۷۱-۸۸.
- لطف آبادی، حسین، (۱۳۸۰)، روان شناسی رشد (۲)، تهران: نشر سمت.
- لواسانی، مسعود، کیوان زاده، محمد، کیوان زاده، هدیه، (۱۳۸۶)، رابطه ویژگی های فردی، تحصیلی و خانوادگی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دبیرستانی شهر تهران، نشریه روانشناسی و علوم تربیتی (دانشگاه تهران)، شماره ۷۴، ۹۹-۱۲۴.
- مهرابی زاده هنرمند، مهناز، تقوی، فرخنده و عطاری، یوسف علی، (۱۳۸۸)، تأثیر آموزش جرأت ورزی بر مهارت های اجتماعی، اضطراب اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر، نشریه علوم رفتاری، شماره ۷، ۵۹-۶۴.
- اخلاقی، فرشاد، (۱۳۷۸)، بررسی و مقایسه بین علاقه ی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و دانشجویان، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشکده ی علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم.
- صغری، فاطمه، (۱۳۷۰)، الگوی اجتماعی زن مسلمان در جامعه ی اسلامی، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- طالب زاده نوبریان، محسن، صالح صدق پور، بهرام و کرامتی، انسی، (۱۳۸۷)، بررسی تاثیر جو اجتماعی مدارس متوسطه بر پرورش مهارت های اجتماعی دانش آموزان، نشریه مطالعات برنامه درسی، شماره ۸، ۲۳-۴۶.
- ابطحی، معصومه السادات وندری، خدیجه، (۱۳۹۰)، رابطه خلاقیت و سازگاری اجتماعی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان متوسطه شهر زنجان، فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی، شماره ۱۰، ۱۵-۲۸.
- ریتزر، جورج، (۱۳۷۴)، نظریه های جامعه شناسی دوران معاصر، تهران: نشر علمی.
- سلیمانی و همکاران، (۱۳۸۸)، تأثیر آموزش مهارت های اجتماعی بر سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دیرآموز، نشریه تعلیم و تربیت استثنائی، شماره ۹۵ و ۹۶، ۹-۲۲.
- سلیمانی، منصور، (۱۳۸۸)، آموزش مهارت های اجتماعی رویکردی نو، نشریه، رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۵۱، ۳۴-۳۷.
- متسون، جانی واولندینگ، توماس، (۱۳۸۴)، بهبودبخشی مهارت های اجتماعی کودکان: ارزیابی و آموزش، (ترجمه، احمد به پژوه)، تهران: انتشارات اطلاعات.

وستوود، پیتر، (۱۳۸۱)، آموزش و پرورش کودکان با نیازهای ویژه: روش‌های منطقی برای آموزش به کودکان دارای نیازهای ویژه، (ترجمه، شاهرخ مکوندحسینی)، تهران: انتشارات رشد.

قلتاش، عباس؛ اوجی نژاد، احمد رضا؛ بزرگر، محسن. (۱۳۸۹). تأثیر آموزش راهبردهای فرا شناخت بر عملکرد تحصیلی و خلاقیت دانش آموزان پسر پایه ی پنجم ابتدایی. فصلنامه روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۹، ۱۱۹-۱۳۵.

ماوسن، پل هنری و دیگران، (۱۳۸۶)، رشد شخصیت کودک، (ترجمه، مهشید پاسایی)، تهران: نشر مرکز.

مویس، دانیل و رینولدز، دیوید، (۱۳۹۰)، آموزش مؤثر، (ترجمه، محمد علی بشارت و حمید شمسی پور)، تهران: انتشارات رشد.

بدار، لوک و دیگران، (۱۳۸۸)، روان شناسی اجتماعی، (ترجمه، دکتر حمزه گنجی)، تهران: نشر ساوالان.

توسلی، غلامعباس، (۱۳۸۵)، نظریه های جامعه شناسی، تهران: انتشارات سمت.

روشه، گی، (۱۳۸۶)، جامعه شناسی تالکوت پارسونز، (ترجمه عبدالحسین نیک گهر)، تهران: نشر تبیان.

Mc Nutly, J. K., & Karney, B. R. (2004). Positive expectations in the early years of marriage: Should couples expect the best or brace for the worst? *Journal of Personality and Social Psychology*, 86(5), 729-43.

Mau, W.C., (2003), Parental influences on the high school students academic achievement, *Psychology in the school*, Vol 45, Pp.267-289.

Noble, K.D., (2001), *Riding the Wind horse: Spiritual Intelligence and the Growth of the Self*, Cresskill, NJ: Hampton Press.

Parker J.G.& Asher. (1987). Peer relation and later personal adjustment: Are low accepted children at risk? *Psychological Bulletin*. 102.PP.357-389.

Plomin, R., (2002), *The nature and nature of cognitive abilities*, *Advances in the Psychology of human intelligence* .NJ: Erlbaum.

Binet, A., & Simon, T.,(2000), *The development of intelligence in children*, San Francisco: freeman.

Beheshtifar, M., Esmaili, Z., & Nekoie Moghadam, M., (2011), Effect of moral intelligence on leadership, *Eur Journal Econ Final Admin Sci*, Vol.43, Pp. 1-7.

Barton Arwood, S., Morrow, L., Lane, K., (2005), *Project Improving Teaches Ability to Address students social needs*, Educational and treatment of children.

Terman, L.M ., & Merrill, M.A., (1973), *Masuring intelligence*, Boston: Houghton Mifflin.

Vandewalle, D., Cron, W.L., & Slocum, J.W., (2001), The role of goal orientation following performance feedback, *Journal of applied psychology*, Vol.86, Pp.629-640.

Campbell, B., (2003), *Multiplying intelligence in the classroom*, New York: basic books.

Clarcken RH. Moral Intelligence in the Schools. <http://sccn612final.wikispaces.com/file/view/Moral+Intelligence+and+Forgiveness.pdf>.(accessed in 2012)

Ray, E., Elliot, S.N., (2006), Social Adjustment and Academic Achievement: A predictive model for students with divers Academic and Behavior Comprencies, *School Psychology Review*, Vol.35, Pp.491-503.

Rahimi GR. The Implication of Moral Intelligence and Effectiveness in Organization: Are They Interrelated?. *Inter J Marketing Technol*. 2011; 1 (4): 68-73.

Segrin C, Flora J(2000). *Poor social skills are a vulnerability factor in the development of psychosocial problems*. *Human Communication Research*; 26: 489-514